

تحلیل و توصیف نظام مدیریت شهری اصفهان در صدر مشروطه

لقمان دهقان نیری*

عبدالمهدی رجایی**

چکیده

هم‌زمان با انقلاب مشروطیت نهادی به نام بلدیّه، برای پُرکردن خلأ مدیریت شهری، در بیشتر شهرهای کشورمان برپا شد. این نوشتار با مراجعه به منابع عصر مشروطه، روند شکل‌گیری و آغاز به کار اداره بلدیّه اصفهان، بسترهای اجتماعی، چالش‌ها و موانع آغازین آن را بررسی کرده و نگاه مردم به این نظام مدیریت شهری نوین و اقدامات کارگزاران این نهاد نوپا را برای تثبیت موقعیت و اعتبار آن در میان سایر مراکز قدرت ارزیابی می‌کند. از آنجا که نظمیّه اصفهان در پی تأسیس بلدیّه شکل گرفت، در این نوشتار بدان نیز پرداخته می‌شود. گفتنی است بنا بر شرایط نسبتاً یکسانی که در آن روزگار بر تمامی شهرهای کشورمان حاکم بود، می‌توان شرایط تأسیس بلدیّه‌ها در یک‌صد سال پیش در سایر شهرها را نیز از منظر این مقاله نگریست.

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و شیوه گردآوری اطلاعات آن اسنادی-کتابخانه‌ای و بیشتر متکی بر روزنامه‌های منتشره در اصفهان عصر مشروطه به عنوان منابع دست اول و قابل اعتنا است.

کلیدواژه‌ها: اصفهان، مشروطیت، مدیریت شهری، بلدیّه، نظمیّه.

مقدمه

پس از برپایی نظام مشروطیت و هم‌زمان با نوسازی نظام مدیریت کشوری، نظام مدیریت

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان l.dehghan@ltr.ui.ac.ir

** دانشجوی دوره دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) 1350323@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۹/۸/۶، تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۹

شهری نیز بازنگری شد. از سویی قانون مفصلی به نام «قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام» حوزه کار حکام شهر را مشخص کرد و اداره‌ای به نام «اداره ولایتی» برای هر شهر تعریف شد، از سوی دیگر در «قانون بلدیّه»، به‌طور مشخص، امور مدیریت شهری تعریف و به «اداره بلدیّه» سپرده شد که خود زیر نظر انجمن بلدیّه کار می‌کرد. افزون بر این‌ها مجلسی محلی به نام «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» تشکیل شد که در مجلس اول با تصویب «قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی» رسمیت یافت و جایگاه آن معلوم شد.^۱ مشخص است که تثبیت جایگاه هر نهاد مدیریتی و تعیین حوزه اختیارات و وظایف هر یک، امری نیازمند زمان و همراه با فراز و نشیب است؛ به ویژه، وقتی نهادی مانند بلدیّه، با جامعه مخاطب خود رابطه مستقیم داشته و برای ارائه خدمات پرهزینه خود، باید از آنها عوارض دریافت نماید، موانع کار پدیدار می‌شوند؛ آن‌گونه که (بنابر فرضیه این مقاله) بلدیّه اصفهان از برآورده ساختن انتظارات جامعه مخاطب خود ناتوان ماند، و این امر سبب شد تا آنها کارکرد بلدیّه را مثبت ارزیابی نکرده و نسبت به آن بی‌تفاوت باشند.

در این مقاله در نظر است به این سؤالات پاسخ داده شود: جامعه سستی اصفهان در راه برپایی یک نظام مدیریت شهری مدرن چه اقداماتی نموده و تا چه حد حاضر بود برای تقویت و پیشبرد کار آن مایه بگذارند؟ کدام یک از طبقات اجتماعی بیشتر و کدام کمتر نسبت به عملکرد بلدیّه علاقه نشان می‌داد؟ مدیران جدید شهری برای نشان‌دادن کارکرد مثبت خود به جامعه مخاطب، چه اقداماتی کردند و در این مسیر با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم کردند؟ نهاد بلدیّه - که واسطه میان حکومت و مردم بود - در این تعامل قدرت چه نقشی ایفا کرد؟ مشخصاً، گذر از نظام سستی مدیریت شهری به نظام مدرن، طی چه فرآیندی انجام شد؟

۱. بستر اجتماعی تأسیس بلدیّه‌ها

به یقین، افرادی آشنا با نظام مدیریت شهری غرب شهرداری‌ها در مجلس اول شورای ملی حضور داشتند،^۲ اما، در مجلس اول ضرورت تشکیل انجمن بلدیّه از آن جهت احساس شد که امور ارزاق شهر (مشخصاً نان و گوشت) دیگر به مجلس ارجاع نشود و انجمن بلدیّه بدان رسیدگی کند. سید حسن تقی‌زاده در این باره گفت: «سابقاً در خصوص نان و گوشت تهران صحبت می‌شد، می‌گفتیم حیف که مجلس بلدیّه نیست تا این مطلب را به آنجا رجوع نماییم» (مجلس، ش ۱۲۱، ۱۲ جمادی الأول ۱۳۲۵)، چرا که مجلس شورای ملی خود را در جایگاهی نمی‌دید که هر لحظه درگیر مسائل روزمره شهری شود. شایان توجه است که در اوان

مشروطیت، مردم ستم‌دیده که مفری به نام مجلس یافته بودند، تقریباً برای کلیه امور ریز و درشت خود به آنجا مراجعه می‌کردند و جزو عارضین مجلس شورا بودند. صدای اعتراض نمایندگان مجلس نسبت به هجوم پرهیاهوی مردم بلند بود. مثلاً سعدالدوله، نماینده تهران اعتراض کرد «حالا کم‌کم مردم یاد گرفتند می‌آیند تمام تظلمات را اینجا می‌کنند. باید حالی کرد که اینجا جای تظلم نیست ... این مجلس کارهای کلی دارد» (مجلس، سال اول، ش ۳۸، ۲۰ ذیحجه ۱۳۲۴) تقریباً انجمن‌های ایالتی و ولایتی شهرها نیز همین شرایط حاکم بود. مردم خواسته‌ها و مطالبات متنوعی داشتند که انجمن مذکور ناچار به پاسخ‌گویی به آنها بود.^۳ از سوی دیگر، در نظام مدیریتی نوین که مشروطیت قصد برپایی آن را داشت، امور مدیریت شهرها باید به نهادهای تخصصی سپرده می‌شد. دستگاهی که اجزای آن به غیر از بیگلربیگی، کدخدا، داروغه، محتسب و فراش بودند. سطح انتظار شهرنشینان افزایش یافته بود و مدیریت شهری سنتی جوابگوی نیازهای جدید نبود. از جمله، امر نظافت شهر در شمار وظایف جدیدی بود که در نظام پیشین جایگاه تعریف شده‌ای نداشت و باید نهادی عهده‌دار آن می‌شد.

افزون بر این‌ها، باید در نظر داشت که «سیاست» نیز در شکل‌گیری بلدی‌ها بی‌تأثیر نبود. به گفته مهدی ملک‌زاده، انجمن‌های بلدی تشکیل شد تا مشروطیت را در اعماق شهرهای دور و نزدیک گسترش دهد: «نمایندگان تصور می‌کردند با تشکیل انجمن‌های بلدی از نمایندگان مردم، قدرت مشروطیت در شهرستان‌ها بیشتر خواهد شد» (ملک‌زاده، ۱۳۷۳، ج ۵۶۹/۱) از آنجا که مدیریت کلان ایالات و ولایات هنوز در دست حکامی بود که منصوب شاه و صدراعظم بودند، می‌توان تصور کرد با قدرت‌گیری این نهادهای انتخابی، بخشی از اختیارات حکام در میان مردم توزیع شود.

در شهرها، تشکیل انجمن بلدی می‌توانست باری از دوش نهاد مردمی پیشین و همزاد مشروطه، یعنی انجمن‌های ایالتی و ولایتی بردارد، زیرا تا آن زمان همه مسائل شهری به این انجمن‌ها ارجاع می‌شد. یک‌بار وقتی در اصفهان جمعی شکایت نمودند که کسبه با بستن سکو و گذاشتن تخته موجب سد معبر می‌شوند، روزنامه ارگان انجمن ولایتی نوشت: «تنظیم این‌گونه مطالب با اداره بلدی است، ولی اداره بلدی برپا نشده. امید است به توجهات اعضای انجمن مقدس اداره جلیله تشکیل شود.» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۳۲، ۱ رجب ۱۳۲۵ق) چندی بعد، یکی از اعضای انجمن ولایتی اصفهان ضرورت بلدی را چنین برشمرد «البته باید اداره بلدی تشکیل شود. چنانچه پنی را گران کرده‌اند و

اکنون به انجمن مقدس عارض می‌شوند. این‌گونه مطالب حق انجمن مقدس نیست. فقط با ادارهٔ بلدیہ است.» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۳۵، ۲۲ رجب ۱۳۲۵ق)

۲. حد و مرز قانونی

قانون «بلدیہ» در ۱۰۸ ماده در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ق ازسوی مجلس شورا تصویب و به ولایات ابلاغ شد. به موجب این قانون، شورایی که مرکب از نمایندگان محلات شهر بود، به نام «انجمن بلدیہ» (به تعداد ۱۶، ۲۰ و ۳۰ نفر به نسبت جمعیت شهر) با انجام انتخابات قانونی تشکیل شد. ریاست و نظارت انجمن بلدیہ بر «ادارهٔ بلدیہ» همه‌جانبه بود چرا که ریاست بلدیہ بر عهده رئیس انجمن بلدیہ بود که در شهرهای بزرگ «کلانتر» نامیده می‌شد. انجمن بلدیہ کارکنان بلدیہ را انتخاب و خط مشی کلی امور بلدیہ را ترسیم می‌کرد و نسبت به تعدیل نرخ ارزاق مسئول بود، دربارهٔ نظافت و بهداشت شهر و برپایی مکان‌های عمومی مانند ساخت بازارها و کتابخانه‌ها دستوراتی به ادارهٔ بلدیہ ابلاغ می‌کرد، امور حمل و نقل شهری و کرایه‌ها را سامان داده و راجع به ترتیب و تکمیل نقشه‌های شهر و تعیین حوزهٔ آن تصمیم می‌گرفت و مهم‌تر از همه، «تعیین مقدار فروعات و عوارضی که برای مصارف بلدیہ از اهالی شهر به موجب قانون گرفته می‌شود» با انجمن بلدیہ بود.^۴

۳. تصور مردم از بلدیہ

برای جامعه‌ای که تازه با مؤسسات و سازمان‌های دولتی و عمومی آشنا می‌شود، درک حوزهٔ عمل و کارکرد سازمان‌ها و مؤسسات جدید مهم است. مقالهٔ زیر که در روزنامهٔ انجمن مقدس ملی به چاپ رسید، نشان می‌دهد مردم عصر مشروطه پیش از تأسیس بلدیہ چه تصویری از آن داشته و لزوم آن را چگونه می‌دیدند. نویسنده مقاله با یادآوری این موضوع که در اصفهان هر روز کشاورزان اطراف برای رسیدگی به وضعیت فاضلاب خانه‌ها به شهر می‌آیند، «و بدین وسیله معبرهای ما مشتمل بر کثافات و نجاسات و عفونات فوق‌العاده است»، برپایی سازمانی را برای تمیزکردن کوچه‌ها بسیار مهم دانسته است. این روزنامه رفع بیکاری را فایدهٔ دیگر بلدیہ در شهر می‌داند. از این به بعد خیل بیکاران و فقرای تنگدست «در این اداره دارای شغل و کار مرفه‌البال خواهند شد.» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۸، ۱۱ محرم ۱۳۲۵ق)

او پس از ذکر فعالیت شهرداری‌ها در فرنگستان، وظایف این اداره را این‌گونه خلاصه

کرد: «هر نوع کثافتی را به ترتیبی از معابر زایل می‌نمایند ... کوچه‌های تنگ و باریک را به طرز مناسب مسطح و با سنگ‌های ریزه، سنگ‌فرشی به فراخور وسعت [می‌نمایند] ... در هر محلی چراغی برای روشنی نصب شود.» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۸، ۱۱ محرم ۱۳۲۵ق) نویسنده مقاله در ادامه، منشأ شناخت خود از اداره بلدیّه را آشکار کرده و می‌افزاید: «این اداره در ممالک خارجه اهمیت فوق‌العاده دارد که اغلب مایحتاج اهالی بدین اداره مرجوع است، مثل روشنی چراغ‌خانه‌ها و خیابان‌ها و کوچه‌ها و ممر آب در تمام عمارات و ضمانت امنیت اموال اهالی از سرقت و محافظت دکاکین و مغازه‌ها و غیره که با زحمات شاقه و اجزای متعدده این اداره تحمل می‌نماید.» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۸، ۱۱ محرم ۱۳۲۵ق)

مطالب فوق مربوط به وقتی بود که مردم هنوز تصور درستی از اداره بلدیّه نداشتند. اما روزنامه زاینده‌رود سه سال پس از برپایی بلدیّه اصفهان، به دلیل مشکلات مالی که بلدیّه این شهر با آن دست و پنجه نرم می‌کرد و عملاً کار آن را مختل کرده بود، در مقاله‌ای تحت عنوان «اهمیت بلدیّه» به زبان ساده سعی کرد لزوم این اداره را برای خوانندگان خود تشریح کند. او بلدیّه را به «کدبانوی خانه» تشبیه کرد، «چنانچه کدبانو همه وقت در اصلاح امر خانه و تنظیم امور ساکنین یک مسکن صرف وقت می‌کند، هم چنین اداره بلدیّه در ترتیب و تنسيق امور متعلقه به یک شهر می‌پردازد و همه گونه اسباب آسایش اهالی را فراهم می‌سازد.» (زاینده‌رود، سال دوم، ش ۵، ۱۳ صفر ۱۳۲۸ق)

روزنامه با این مقدمه، سؤال می‌کند: «هم‌چنین اهالی یک شهر که حوزه احتیاجاتشان وسیع‌تر است، چگونه می‌توانند بدون اشخاصی که خادم مصالح عامه باشند امور شهری را اداره کرده به کار بیندازند؟» (زاینده‌رود، سال دوم، ش ۵، ۱۳ صفر ۱۳۲۸ق) به هر حال بلدیّه سازمان حجیم و پرمشغله‌ای بود که با همه اجزای زندگی مردم سروکار داشت و مردم باید لزوم وجود آن را به خوبی درک می‌کردند و برای راه‌اندازی و خدمت‌رسانی بهتر و بیشتر آن همکاری لازم را به عمل می‌آوردند. این «متغیر» تأثیر بسیار زیادی در کارکرد نهایی سازمان مزبور داشت.

۴. برپایی بلدیّه اصفهان در دوره اول مشروطیت

بالاخره سه ماه پس از تصویب قانون بلدیّه، و حدود یک سال پس از امضای فرمان مشروطیت در شعبان ۱۳۲۵ق، مقدمات تشکیل انجمن بلدیّه در اصفهان فراهم شد؛ به این

ترتیب که «انجمن نظار» تشکیل و در محلات شهر انتخابات برگزار، در عمارت چهلستون آراء خوانده و از هر کدام از محلات نوزده گانه شهر، یک نفر انتخاب شد که اسامی آنها در روزنامه درج شده است. (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۳۹، ۲۰ شعبان ۱۳۲۵ق) بدین ترتیب نخستین جلسه انجمن بلدیة اصفهان تشکیل و شخصی به نام «حاجی کلانتر» را به ریاست اداره بلدیة برگزیده شد. (انجمن بلدیة فرج بعد از شدت، ش ۴، رمضان ۱۳۲۵ق) اما ریاست او یکی دو هفته بیشتر نپایید و چندی بعد میرزا اسدالله وثیق‌الملک^۵ رئیس بلدیة شد.

با کوشش‌های انجمن بلدیة و رئیس فعال آن، چند نفری در حوزه‌های مختلف استخدام شدند تا «اداره بلدیة» را دائر کنند. روزنامه «انجمن بلدیة اصفهان» در شوال همین سال تعداد اعضا و میزان حقوق ماهیانه موقتی آنها را درج کرد. به موجب آن «برای رئیس و معاون ایشان: پانزده تومان، منشی (آمیرزاموسی): هشت تومان، دفتردار (آمیرزا ابوالحسن): شش تومان، شخص چهارم: دوازده تومان، نایب (یک نفر): چهارتومان و پنج هزار، فراش (شانزده نفر): نفری سه تومان، پیشخدمت (دو نفر): نفری چهارتومان، قهوه‌چی (یک نفر): سه تومان و پنج هزار» (انجمن بلدیة اصفهان، سال اول، ش ۹، ۲۰ شوال ۱۳۲۵ق) در نظر گرفته شد. اداره بلدیة اصفهان در آغاز ۲۵ نفر عضو داشت. اداره مذکور مطابق قانون بلدیة‌ها، وظایف متنوع و سنگینی بر عهده داشت. در واقع انجمن بلدیة مغز و فرمانده امور بلدیة بود و اداره بلدیة امور اجرایی بر عهده داشت، مشابه تقسیم کاری که بین شورای شهر و شهرداری‌های امروزی وجود دارد. این اقدامات بیشتر پیرامون محور تأمین و تعدیل نرخ ارزاق و دیگر مایحتاج شهر مثل ذغال و هیزم بود. در یک مورد نیز مانع از کشتار گوسفند در کاروان سرای داخل شهر شدند. (انجمن بلدیة اصفهان، سال اول، ش ۴، رمضان ۱۳۲۵ق) پس از آن بلدیة با مستأجران میدان نقش جهان در افتاد که باید کرایه دکان‌ها را به این اداره بدهند. (انجمن بلدیة اصفهان، سال اول، ش ۵، رمضان ۱۳۲۵ق)

اما تأمین ارزاق اساسی شهر بار سنگینی بود که بلدیة نوپا به سختی می‌توانست از عهده آن برآید. این کار هم تدبیر می‌خواست و هم بازوی پر زور. قسمت اخیر با وظایف حاکم شهر تداخل داشت. پس نخستین تنش‌ها میان قدرت سنتی و جافتاده حکومت و سازمان نوپای بلدیة شکل گرفت. بلدیة مطابق قانون خود را موظف می‌دید مانع از خروج ارزاق از شهر شود، «لهذا اعضای انجمن صلاح در آن دیدند که سوار در سر راه‌ها بگذارند که گندم و برنج را به خارج از حدود اصفهان نبرند.» (انجمن بلدیة اصفهان، سال اول، ش ۱۰، شوال

۱۳۲۵ق) بنابراین اصل، از حاکم تعدادی سوار خواستند که قبول نکرد، «لهذا اعضای انجمن ناچار شدند از جانب خودشان سوار بفرستند، فرستادند و شش قبضه تفنگ از ذخیره عاریه خواستند، حضرت والا فرموده بودند انجمن حق سوار فرستادن ندارد» (انجمن بلدیۀ اصفهان، سال اول، ش ۱۰، شوال ۱۳۲۵ق) همین اقدامات بیانگر جدیت اعضای بلدیۀ اصفهان بود. در زمان تأسیس، حاج آقا نورالله نجفی، رئیس انجمن ولایتی، سه مطلب را از بلدیۀ درخواست کرد: «یکی نمره خانه‌هاست، دویم تعداد نفوس بلد، سیم سنگ موازین که مهر نمایند و قسمی بکنند که در بلد و توابع شهر از بلوکات یکی باشد.» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۴۹، ۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ق) مطابق این دستور چندی بعد در انجمن بلدیۀ «مذاکره شد اول چیزی که لازم است سرشماری محلات اهل اصفهان و نمره گذاشتن در خانه‌هاست» (انجمن بلدیۀ اصفهان، سال اول، ش ۱۴، ذیحجه ۱۳۲۵ق) بلدیۀ حتی برای سرشماری نیز احتمال می‌داد مردم شهر به درستی همکاری نکنند؛ پس تصویب شد «به تمام محلات [اعلان] چسبیده شود که برای سرشماری است و غرض از آن تعیین و تهیه آذوقه اهل شهر است و غرض دیگری نیست.» (انجمن بلدیۀ اصفهان، سال اول، ش ۱۴، ذیحجه ۱۳۲۵ق)

۴.۱. بلدیۀ و درآمد

اصلی‌ترین مشکل بلدیۀ تامین منابع درآمد برای مخارجش بود. این نکته مسلم است که کار اجرایی نیاز به منبع مالی دارد. هزینه اداره بلدیۀها نیز باید از کیسۀ مردم شهر تأمین می‌شد. پس بلدیۀ به تکاپو افتاد تا منابع درآمدی بیابد. این اقدامات تازه تأسیس را با دیگر نهادها و قدرت‌های شهر رو در رو کرد.^۶ نخستین اقدام بلدیۀ آن بود که چون خود را متولی شهر می‌پنداشت، گرفتن مالیات اصناف، کرایه دکان‌ها و مستغلات دولتی را حق خود می‌دانست، اما قرن‌ها بود که این پول به جیب مالیه می‌رفت و از آنجا به مرکز سرازیر می‌شد. طبیعی بود که حاکم و پیشکار مالیه زیر بار نمی‌رفتند. آنها بر روی این پول‌ها حساب باز کرده بودند. یکی از موارد شکایت مطرح‌شده در انجمن ولایتی بدین قرار بود: «از بعضی که مالیات بلدیۀ را به بلدیۀ پرداخته‌اند، دوباره از طرف حکومت مطالبه می‌کنند و باید معلوم کرد که مالیات را حکومت باید بگیرد یا اداره بلدیۀ.» (انجمن مقدس ملی، سال دوم، ش ۱، ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ق) درگیری‌های پیش‌آمده در موارد متعدد به انجمن ولایتی ارجاع می‌شد. (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۴۲، ۱۲ رمضان ۱۳۲۵ق) انجمن

هم چاره‌ای نداشت جز آن که اول قوانین مربوطه را در انجمن قرائت نماید و چون نتیجه‌ای حاصل نمی‌شد، از تهران استفسار کند که این راه هم بی‌نتیجه بود.^۷

منبع کسب درآمد دیگری که بلدییه وضع کرد، عوارض صادرات بعضی محصولات تجاری مثل تریاک و پنبه بود. کاری که تجار شهر بدان عادت نداشتند و به آسانی زیر بار آن نمی‌رفتند. آنها بهانه آوردند که «به حکم قانون باید مداخل شما در ازاء مخارج تان معین و محدود باشد و با اطلاع و کلاهی محترم صرف وطن بشود» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۱۰، ۱۹ محرم ۱۳۲۶ق) تجار اصفهان دست به کار شدند و با همکاری و نفوذ نماینده‌اشان در مجلس شورا حکم انفصال وثیق‌الملک، رئیس بلدییه، از تهران صادر شد. اما هنگامی که این خبر به اصفهان رسید، شهر شلوغ شد و اصناف به طرفداری از بلدییه اعتراض کردند؛ «تمام دکاکین را بسته و خواهان رئیس بلدییه» شدند. (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۱۲، ۴ صفر ۱۳۲۶ق) در نتیجه علاء‌الملک که تازه به حکومت شهر منصوب شده بود، حکم ابقاء وثیق‌الملک بر کارش را صادر کرد و با وساطت انجمن ولایتی، در پاسخ به تهران مسئله را خاتمه یافته اعلام کردند. به این ترتیب دعوای پیش آمده با تجار موقتاً پایان یافت، اما موافقان و مخالفان بلدییه مشخص شدند.

۴.۲ بلدییه در تکاپوی اعتبار

بلدییه نهادی تازه تأسیس بود که در پی تثبیت خود در کنار سایر قدرت‌های شهری بود و کم کم این کوشش‌ها به ثمر شست. چندی بعد بلدییه تمامی قدرت‌های شهری را ناچار به تشکیل جلسه‌ای کرد تا درباره منابع درآمد این اداره چاره‌ای بیندیشند. این جلسه در خانه حاکم اصفهان تشکیل شد. یکی از اعضای انجمن ولایتی پیشنهاد کرد «خوب است از خانه‌ها از روی سرشماری گرفته شود.» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۱۶، ۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ق) این پیشنهاد با این احتمال که «بدعت می‌شود» رد شد. رئیس بلدییه نامه‌ای از وزیر داخله نشان داد که درآمد بلدییه باید از «تباکو و تریاک و غیره» کسب شود. اما حکومت مخالفت کرد «قانون و تعیین خرج و دخل بلدییه باید از مجلس مقدس مرکزی وضع شود و این انجمن نمی‌تواند مقنن باشد. عجالتاً خوب است مخارجی معین شود تا قانون برسد» و سرانجام مصوب شد که مخارج بلدییه اصفهان از این منابع تأمین شود: «بخشی از عوارض تباکو، پوست و تریاک صادراتی از شهر، مستغلات میدان نقش جهان،

کرایه قهوه‌خانه‌های میدان، قپانداری فقط از ذغال، عوارض برنج صادراتی به یزد و کاشان». (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۱۳، ۱۱ صفر ۱۳۲۶ق)

این درآمدها مستمر نبود و اندک بود. بلدیہ پس از کسب قدرت، عوارض تازه‌ای وضع کرد که مخالفت اعضای انجمن ولایتی را به همراه داشت. در مذاکرات انجمن ولایتی عوارض تازه را «تحمیلات» می‌دیدند. در یک مورد وقتی خبردادند بلدیہ اعلانی داده «از الاغ پنج شاهی، از قاطر دو عباسی و از شتر ده شاهی» برای تنظیف شهر گرفته شود، رئیس انجمن ولایتی با عصبانیت پاسخ داد: «این که بدعت است. باید توضیح خواست.» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال سوم، ش ۱۳، ۲۲ رمضان ۱۳۲۷ق) بلافاصله نماینده بلدیہ را به انجمن احضار کردند به او فهمانده شد «قراری که می‌گذارید خوب است به انجمن ارائه کنید. اگر تصویب کردند اعلان و اجرا دارید» همچنین به بلدیہ گوشزد شد با این گونه اقدامات «می‌خواهید مردم را از مشروطه مأیوس نمایید.» (انجمن ملی مقدس اصفهان، سال سوم، ش ۱۳، ۲۲ رمضان ۱۳۲۷ق) انجمن ولایتی در مقام مدافع نظام مشروطه بود و از حقوق کلی مردم حمایت می‌کرد، اما اداره بلدیہ یک دستگاه اجرایی بود که مشکلات و نیازهای خاصی داشت.

جالب است دانسته شود حتی روزنامه ارگان انجمن ولایتی هم در این کشمکش حق را به بلدیہ داد: «بلدیہ اگر پول نداشته باشد و محل دخل نباشد از کجا می‌تواند اداره تنظیفیه و احصائیه و حفظ‌الصحت و ... تشکیل نماید. ... با این منارج و نبودن دخل، کی ادارات تشکیل خواهد شد و به کدام قوه تسطیح معابر نمایند؟ به کدام قوه چراغ‌های کوچه‌ها را روشن سازد؟ به کدام قوه پلیس را نگاهداری نماید؟» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال سوم، ش ۲۸، ۲۰ ذی‌قعدة ۱۳۲۷ق)

۴.۳ مقاومت برابر پرداخت عوارض

انجمن ولایتی و قدرتمندان شهر زیر بار عوارض تازه بلدیہ نرفتند. این نزاع در مواردی بسیار شدت گرفت. سرانجام، مخالفت‌های انجمن ولایتی با عوارض تازه، سبب اعتراض انجمن بلدیہ شد. از جمله هنگامی که انجمن بلدیہ قرار نهاده بود که قیمت ماست و پنیر را برای مدت معینی اعلان کرده و قرارداد را برای حاکم شهر ارسال کرد؛ پس از مدتی معلوم شد حاکم شهر قرارداد را به انجمن ولایتی فرستاده و انجمن ولایتی بر قرارداد صحنه نگذاشته است. اعضای انجمن بلدیہ از کم لطفی انجمن ولایتی خشمگین شدند، حتی

معتقد بودند مصوبه انجمن بلدیة را باید نظمیة و حاکم شهر اجرا کنند و ارسال آن به انجمن ولایتی وجهی ندارد. سخن حاج محمد جعفر خوانساری: «انجمن ولایتی همه روزه فریاد می‌کند که انجمن بلدیة چه کرده. انجمن بلدی وقتی قراردادی که راجع به رفاهیت عمومی است، می‌کنند، رد می‌کنند. پس خوب است دیگر تشکی هم نکنند.» (زاینده‌رود، سال دوم، ش ۴، ۶ صفر ۱۳۲۸ق)

ثروتمندان و اعیان شهر نه تنها در پرداخت عوارض بلدیة تعلل کرده، آن را باری بر دوش خود احساس می‌کردند، بلکه برای امور عینی و آشکاری مثل روشنایی شهر نیز حاضر به همکاری نبودند. بلدیة نمی‌توانست هزینه روشنایی شهر را تأمین کند، در نتیجه از اعیان شهر خواست که شب‌ها در خانه‌اشان چراغ گذارده و آن را روشن کنند. اما آنگونه که از مذاکرات انجمن بلدیة بر می‌آید تعداد کمی اقدام به چنین کاری کردند. حاج محمدجعفر، یکی از اعضا، پیشنهاد کرد چاره آن است که موقتاً بلدیة سیصد چراغ تهیه کرده، در شهر نصب و کم کم آن را افزایش دهد. عضو دیگر گفت: «من شخصاً بر این عقیده همراهم و می‌گویم که لازم است بلدیة کاری کند که لذت مشروطه را به مردم بچشانند، ولی افسوس که محل [= بودجه] ندارد و از حاجی محمدجعفر سوال می‌کنم که مخارج سیصد چراغ و سی نفر چراغچی را از کجا می‌دهد؟» (زاینده‌رود، سال دوم، ش ۴، ۶ صفر ۱۳۲۸ق) در ادامه، مذاکره شد که بلدیة از محل عوارض روده، ماهانه صد تومان برای روشنایی شهر هزینه کند که آن هم به نتیجه‌ای نرسید. چون بلدیة سیصد تومان به اداره صرافی جهانیان^۱ مقروض بود و به محض کسب پول مذکور، باید قرض خود را ادا می‌کرد. سرانجام پیدا کردن منبعی، به‌منظور کسب ماهی یک صد تومان، برای روشنایی شهر به کمیسیون محول شد که آن هم بی‌نتیجه ماند. (زاینده‌رود، سال دوم، ش ۴، ۶ صفر ۱۳۲۸ق) انجمن ولایتی که خود را نماینده مردم می‌پنداشت، نه تنها عوارض تازه بلدیة را تصویب نکرد، بارها از بلدیة حساب و کتاب خواست. بلدیة اصفهان برای اولین بار «صورت جمع و خرج» خود را به انجمن ارائه داد و در روزنامه انجمن به چاپ رسانید. مطابق این صورت، درآمدهای بلدیة اصفهان از این راه‌ها آمده بود: «از بابت عشور پوست و عمل تنباکو و تریاک و کرایه دکاکین میدان نقش جهان و غیره، از بابت عوارض کالسکه و درشکه، از بابت مجازات نقدی از کسبه و اصناف». عمده‌ترین بخش مخارج متعدد بلدیة حقوق اداره نظمیة، نظیفیة و حقوق اعضای انجمن بلدیة بود. (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال سوم، ش ۴، ۶ محرم ۱۳۲۸ق) مطابق این سند، از اول رجب ۱۳۲۷ق تا ۸ ذیحجه آن سال، یعنی

حدود پنج ماه، درآمدهای بلدیۀ ۲۶۰۱ تومان و هزینه‌های آن ۲۹۱۶ تومان بود. از درآمدهای حاصل، فقط یک قلم مبلغ ۱۱۶۳ تومان، بابت حقوق به اداره‌ی نظمیۀ پرداخت شد.

مشکل دیگر بلدیۀ اصفهان نداشتن نیروی اجرائیۀ بود؛ حتی در صورت وجود منبع مالی، نیرویی نبود که ضمانت اجرایی تصمیمات بلدیۀ باشد. در اصل این وظیفه بر عهدۀ نظمیۀ یا حاکم شهر بود (در این زمان نظمیۀ از بلدیۀ منفک شده بود). در مذاکرات انجمن بلدیۀ اصفهان در سال ۱۳۲۸ق، شکایت اصناف شهر در گرانی اجناس خوانده شد و وقتی رئیس بلدیۀ پرسید چرا بلدیۀ در تعدیل نرخ اجناس کاری نمی‌کند، یکی از اعضا پاسخ داد: «بلدیۀ در این مدت مطابق صورت دفتر، شصت قرارداد کرده است و از نداشتن قوه‌ی اجرائیۀ اغلب آنها در عقدۀ تعویق است.» حاج محمدجعفر اضافه کرد: «خوب است اصناف این فشاری که به بلدیۀ می‌آورند، سر نظمیۀ بیاورند که چرا قراردادهای بلدیۀ باید مجری نشود یا به حکومت جلیله اظهار بدارند.» (زینده‌رود، سال دوم، ش ۲۵، ۵ شعبان ۱۳۲۸ق) این فشارها باعث شد انجمن بلدیۀ اصفهان تلگراف تهدیدآمیز زیر را به وزارت داخله ارسال کند: «یک سال متجاوز است بلدیۀ اصفهان تشکیل شده و به واسطۀ نداشتن قوای اجرائیۀ و محل دخل کاری از آن پیشرفت نکرده، تمام قراردادها معوق و غیر مجری، از طرف اهالی از گرانی و اختلال امور معاشی همه روزه به انجمن فشار آورده، و کلا نه از عهدۀ جواب موکلین برمی‌آیند و نه می‌توانند امورات شهری را مرتب سازند ... اگر امر بدین ترتیب باشد بجز انفصال بلدیۀ چاره‌ای نداریم.» (زینده‌رود، سال دوم، ش ۲۵، ۵ شعبان ۱۳۲۸ق)

در آغاز سال ۱۳۲۹ق / ۱۹۱۱م نبود درآمد کافی آن قدر بلدیۀ را تحت فشار قرار داد که آمیرزا مهدی‌خان، رئیس بلدیۀ کناره گرفت (زینده‌رود، سال سوم، ش ۱، ۱۸ محرم ۱۳۲۹ق) و انجمن بلدیۀ هم پس از چند جلسه تصمیم گرفت «چون مالیۀ بلدیۀ گنجایش ندارد و اداره‌ی مبلغی مقروض است، فروع و شعب بلدیۀ از قبیل نظمیۀ و احتسابیۀ و احصاییۀ و غیره موقتاً موقوف، و اداره‌ی بلدیۀ با همان چهار نفر اعضای رسمی باقی ... اداره از این تاریخ به بعد فقط همش مصروف ترتیب امور ارزاق و تهیه‌ی موجبات سهولت معیشت اهالی خواهد بود» (زینده‌رود، سال سوم، ش ۲، ۲۴ محرم ۱۳۲۹ق) به این ترتیب بلدیۀ فقیر در پی آن درآمد که حوزه‌ی فعالیت خود را کاهش دهد و تنها به امور ارزاق شهر رسیدگی کند.

رابطۀ حاکم و انجمن بلدیۀ نیز گره‌های ریشه‌داری داشت. حاکم نماینده‌ی حاکمیت و شریک ملاکین و اعیان شهر و انجمن بلدیۀ منتخب مردم، اصناف و مدافع حقوق آنها بود. در دو پرده‌ی زیر می‌توان خاستگاه و اهداف دو طرف را دید: از بلدیۀ به انجمن ولایتی

شکایت کردند که «برنج و گندم را حمل به بلوکات می‌نمایند. فردا اسباب ضیق ارزاق بندگان خدا می‌شود. ده سوار از حکومت برای جلوگیری خواسته‌ایم و نداده‌اند.» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۴۹، ۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۵ق) مسئله این نیست که حاکم اصفهان، نیرالدوله، استفاده از سرباز را در حوزه اختیارات بلدیة نمی‌داند، بلکه حاکم خود را با مالکین و زمین‌داران نزدیک‌تر می‌دید تا بلدیة‌ای که دغدغه‌آرزانی نان مردم شهر را دارد. در نمونه‌ای دیگر وثیق‌الملک متوجه شد در دستورالعمل یا همان بودجه‌بندی شهر اصفهان، سالیانه مبلغ ۴۶۴ تومان و مقداری جنس برای مواجب ۴۷ نفر سرایداران عمارات تاریخی اصفهان در نظر گرفته شده است، ولی بالفعل چهار نفر سرایدار بیشتر مشغول به کار نیستند. (انجمن بلدیة اصفهان، سال اول، ش ۷، شوال ۱۳۲۵ق) و چون «عمارات عتیقه و مرمت و اصلاح آنها در عهده اداره بلدیة است»، حاکم باید این پول را به بلدیة بدهد. (انجمن مقدس ملی، سال اول، ش ۴۴، ۲۶ رمضان ۱۳۲۵ق) اما نیرالدوله هرگز نمی‌خواست از این مداخل دست بردارد. پس به اداره بلدیة جواب درستی نداد. بلدیة به انجمن ولایتی شکایت کرد. نماینده انجمن ولایتی به حضور نیرالدوله رفت و پاسخی آورد بدین مضمون که انجمن بلدی را به رسمیت نمی‌شناسد. «من از انجمن بلدی اطلاع ندارم و رئیس آن را نمی‌شناسم. باید انجمن بلدی اظهارات خود را به انجمن ایالتی اخطار نماید و از طرف انجمن مقدس انجام آن خواسته شود» (جهاد اکبر، سال اول، ش ۳۳، ۲۵ رمضان ۱۳۲۵ق) اعضای انجمن ولایتی از این جواب حاکم خشمگین شدند و رئیس انجمن ولایتی اظهار داشت: «این عنوان با قانون نظام‌نامه مخالف است»، چرا که انجمن بلدی می‌تواند مستقیماً با حکومت در تماس باشد. (جهاد اکبر، سال اول، ش ۳۳، ۲۵ رمضان ۱۳۲۵ق) حاکم شهر درآمدهای پیدا و پنهانی داشت و اینک معارضی چون بلدیة را در مقابل می‌دید، طبیعی است روی خوشی بدین جریان نشان ندهد.

با وجود مشکلات مالی، بلدیة اصفهان اقدامات زیادی در آبادانی و پاک‌سازی شهر انجام داد. در روزنامه انجمن اصفهان آمده است: «چندی است بنای نصب چراغ در خیابان‌ها گذارده‌اند. از چهارحوض^۹ شروع کرده‌اند تا منتهای چهارباغ عباسی که منتهی به سرپل‌ها می‌شود و از یک طرف تا خیابان چهارسوق^{۱۰} ممتد نموده‌اند. سایر خیابان‌ها را نیز مشغول و بعضی مثل خیابان احمدآباد ناتمام و پاره‌ای قریب به اتمام است. سردرب خانه‌ها را نیز چندی است که به نصب کاشی‌های نمره‌دار شروع نمودند و هر روز در خیابان‌ها آب می‌پاشند.» (انجمن اصفهان، سال سوم، ش ۸۲، ۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ق) پیشتر اداره بلدیة

سعی کرد برای عمارات تاریخی سرایدار بگمارد. نیز بعدها «قرارداد کرایه کالسکه و درشکه و دلیجان و دوچرخه» را نهاد. به زبان امروزی، برای مسیرهای شهری کرایه حمل و نقل تعیین نمود. (کشکول، سال دوم، ش ۳۳، ۹ شعبان ۱۳۲۷ق)

۵. بلدیۀ اصفهان در عصر مشروطیت دوم

چند ماه پس از فتح اصفهان و پیش از فتح تهران، انجمن ولایتی حکم به احیای انجمن بلدیۀ کرد و روزنامه زاینده‌رود این مؤسسه را موهبتی دانست که «از فروغ نعمت مشروطیت» نصیب ملت شده است. پس خبر داد که جمعی از بزرگان به تشکیل «انجمن نظار» برای انتخابات بلدیۀ اقدام کرده‌اند. (زاینده‌رود، سال اول، ش ۱۱، ۱۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۷ق) ماه بعد که شهر در کشاکش حمله به تهران بود، دورۀ جدید انجمن بلدیۀ با حضور سی نفر وکیل منتخب، آغاز به کار کرد. مدتی بعد صمصام‌السلطنه، حاکم شهر، به انجمن بلدیۀ رفت و حکم میرزا مهدی خان، رئیس جدید بلدیۀ، را امضا نمود. همچنین به موجب قانون بلدیۀ او را به سمت کلانتر شهر اصفهان منصوب کرد. (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۴۳، ۱۹ رمضان ۱۳۲۵ق)

اگرچه تأسیس بلدیۀ در آن شرایط بحرانی، بیانگر آن است که کارکرد آن اداره تا این زمان در نظر مردم مثبت ارزیابی شده بود، باید گفت که بلدیۀ دورۀ نخست منتقدینی نیز داشت. روزنامه زاینده‌رود در نقد دورۀ اول نوشت «هر جنسی را خواستند ارزان کنند گران شد. در مقام ازدیاد حوائج ناس برآمدند، نقصان و انعدام آن صورت گرفت ... رفته‌رفته طوری شد که پاره‌ای بی‌خردان تشکیل بلدیۀ را مضر به حال نوع دانسته، انفصال آنرا از خداوند خواستاری می‌کردند.» (زاینده‌رود، سال اول، ش ۱۶، ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق) روزنامه از وکلای جدید - که غالباً در دورۀ پیشین هم عضو انجمن بلدیۀ بوده‌اند - خواست تجربیات گذشته را به کار بندند.

۵.۱ مشکلات جدید بلدیۀ

مشکلات بلدیۀ اصفهان پس از استبداد صغیر پیچیده‌تر و عمیق‌تر شد، چرا که وخامت اوضاع کلی کشور، خصوصاً ناامنی گسترده در راه‌های ارتباطی، به شدت برگرانی اجناس در شهرها اثر گذاشت و همین امر بلدیۀ را بیش‌ازپیش گرفتار کرد. دو ماه پیش از بلوای نان، روزنامه پروانه، منتشره در اصفهان، نامه‌ی یکی از خوانندگانش را چاپ کرد که در نقد

اقدامات یا بی‌حرکی بلدییه، خطاب به وکلای انجمن بلدی نوشته شده بود: «آیا می‌دانید و خبر دارید که در هر خانه و در هر دکان و در هر حجره و در هر مجلس این شهر، از عزا و عروسی و ضیافت، به جز شکایت از شما چیز دیگر استماع نمی‌شود؟ ... آیا می‌دانید که فقرا و ضعفا هر روز از سرما و گرسنگی می‌میرند و آنها هم که زنده‌اند آرزوی مردن می‌کنند؟ آیا می‌دانید از بابت قیمت نان و گوشت و غیبت خاکه و هیزم به فقرا چه می‌گذرد؟» (پروانه، سال اول، ش ۱۵، ۲۹ محرم ۱۳۲۹ق) روزنامه پروانه نیز در تأیید سخن این خواننده افزود: «فایده بلدییه جز یک خرج تراشی هنگفت برای دولت و تحمیلات زیاد بر ملت چیزی نیست. قدمی تا کنون از روی علم بر نداشته‌اند. تنظیف معابر را کدام چشم تاکنون دیده؟ مواظبت در نرخ اجناس را کی می‌تواند در حق بلدییه شهادت بدهد؟ مگر نه این همان بلدییه است که در دوره مشروطه اول به درجه ای طرف فقرا و ضعفا را منظور داشت و اسباب رفاهیت و آسودگی آنها را فراهم نمود ... ولی در این دوره بلدییه حالیه به حدی اسباب یأس فراهم نموده که تصور کردنی نیست» (پروانه، سال اول، ش ۱۵، ۲۹ محرم ۱۳۲۹ق) چنان‌که گفته شد از همان بدو کار، اعیان و تجار بزرگ با بلدییه سر ناسازگاری داشتند. به نظر می‌رسد پس از چهار سال فعالیت، تشکیلات بلدییه بدنه اجتماعی حامی خویش یعنی اصناف و مردم عادی را از دست می‌داد.

حاج محمدجعفر خوانساری، که در انجمن بلدییه نخست عضو انجمن بلدییه بود، اکنون به خاطر فعالیت‌های چشمگیرش به معاونت اداره بلدییه اصفهان رسیده بود. او در پاسخ به مکتوب فوق در روزنامه به چندی از انتقادات پاسخ داد. مبنی بر اینکه اگر مردم اصفهان خواستار بلدییه فعال و قدرتمندی هستند، باید به این اداره کمک‌های بیشتری کنند. او از صاحب مکتوب پرسید: «در این بیست ماه که بلدییه منعقد شده، این ملت اصفهان، کدام یک‌دینار را جهت مصارف بلدییه داده‌اند؟ آیا بلدییه می‌تواند بدون محل و دخل و همراهی قوه مجریه کار نماید ... بلدییه هزار گونه مخارج دارد که از وظایف تکلیفییه اوست، و باید اهالی از عهده خرج آن بر آیند. ...» (پروانه، سال اول، ش ۱۷، ۲۱ صفر ۱۳۲۹ق) معاون بلدییه در ادامه افزود که بسیاری از مشکلاتی که به بلدییه ارجاع می‌شود، منشأ دیگری دارد؛ به خصوص ناامنی راه‌ها و بسته‌شدن آنها، در کار بلدییه و تأمین ارزاق مردم بسیار مؤثر بود: «قضای آسمانی یا بلای ناگهانی رخ می‌دهد؛ برف‌های پی‌درپی می‌بارد، سرما به درجه صفر می‌رسد، طرق و شوارع مسدود می‌شود، عبور و مرور قوافل متروک می‌شود. نایب حسین کاشانی شترهای انارک را به نهب و غارت می‌برد. انارکی تأمین ندارد ذغال به اصفهان حمل

ندارد. بویراحمدی و سایر قُطّاع الطریق امنیت را از تجار و غیره سلب می‌نمایند. محتکر بی‌انصاف به هیچ صراطی مستقیم نمی‌شود و به اختیار جنس خود را نمی‌دهد. تقصیر بلدیّه چیست؟» (پروانه، سال اول، ش ۱۷، ۲۱ صفر ۱۳۲۹ق) در واقع، بیشتر این امور مربوط به حوزه حاکم شهر و قراسوران بود که از عهده تأمین راه‌ها بر نمی‌آمدند.

۵.۲ بلوای نان و بلدیّه اصفهان

مدیریت قوی و مطلعی به منظور تهیه گندم نانوائی‌های شهر نیاز بود. پیش از مشروطه، حاکم شهر هنگام کمبود نان صاحبان اراضی را جمع، نانوائی‌های شهر را بین آنها تقسیم کرده و از آنها تعهد می‌گرفت که مثلاً در طی مدت شش‌ماه باید آن نانوائی را تأمین کنند، یا با مدیریت فشار و اجبار گندم را از بلوکات و نواحی به شهر حمل کرده، مشکل داخل شهر حل می‌شد. به همین سادگی! اما پس از مشروطیت دیگر اقتدار مرکزی وجود نداشت. بنابراین صاحبان املاک دائماً برای منافع خود بازار را تحت تأثیر قرار می‌دادند. آنها با احتکار و ایجاد قیمت کاذب، محصول خود را گران می‌کردند.

اصفهان پس از مشروطه، دائماً با کمبود نان مواجه بود و معلوم است هدف این حملات بلدیّه بود. در سال ۱۳۲۹ق، بلدیّه مجبور شد انبارهای محتکرین را بگشاید و گندم‌اشان را به بازار آورد. این امر دشمنان قدرتمندی را مقابل بلدیّه و معاون فعال آن به صف کرد. از سوی دیگر، حاکم وقت اصفهان به نام شکرالله‌خان معتمدخاقان (به‌دلایلی که اشاره شد) از همان ابتدا به بلدیّه و انجمن ولایتی روی خلوش نشان نداد. سرانجام، در تاریخ شنبه ۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ق طرح حاکم شهر به اجرا درآمد. از صبح شهر هیجان زده بود. بازاریان دکان‌ها را بستند و عده‌ای در اطراف بلدیّه تجمع و به داخل بلدیّه هجوم برده، حاج محمد جعفر خوانساری، معاون اداره، را کشته و جنازه او را در میدان نقش جهان آویزان کردند. هنوز خشم جمعیت فرو ننشسته بود. پس از آن به اداره عدلیّه حمله‌ور شدند، «تمام اثاثیه از میز و صندلی و غیره هرچه بوده به غارت برده، تمام اسناد عدلیّه را از دوسیه‌ها و کارتن‌ها بیرون آورده، بعضی را پاره و در حوض چهلستون ریخته» (زاینده‌رود، سال سوم، ش ۱۵، ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ق) سپس نوبت به انجمن ولایتی رسید.

اغتشاشگران به چهلستون حمله کردند و «میز و صندلی» حتی فرش انجمن را به غارت بردند. بعد از آن «همین معامله را با اداره، بلدیّه و تحدید تریاک نموده»، فقط اداراتی که از دستبرد و غارت محفوظ ماند اداره ولایتی و نظمیّه و مالیّه بود. غوغائیان به سمت عمارات

حکومتی و نظمیه هم حرکت کردند که «چند تیر هوایی شلیک کرده، نگذارند بدانجا وارد شوند.» سرانجام «آن روز غروب شد در صورتی که دیگر نه از ادارات اثری، نه از امنیت نشانه‌ای ...» (زینده‌رود، سال سوم، ش ۱۵، ۱۲ جمادی الأول ۱۳۲۹ق) سرانجام سه روز بعد بنا به اصرار اشخاص موجه تعدادی از مغازه‌ها باز گردیده، وارد کردن گندم از نجف‌آباد و غیره آغاز شد. (زینده‌رود، سال سوم، ش ۱۵، ۱۲ جمادی الأول ۱۳۲۹ق)

این نوع شورش‌های مصنوعی در تاریخ ایران فراوان به چشم می‌خورد. در بلدیۀ اصفهان را این روز در سال ۱۳۲۹ق اهمیت زیادی دارد. حاکم وقت اصفهان، معتمدخاقان، عزل شد و سردار اشجع به جای او نشست، اما تعطیلی شش ماهه انجمن ولایتی و نیز انجمن بلدیۀ و برجیده شدن بسیاری از آثار مشروطیت، بیانگر پیچیدگی موضوع است. بلدیۀ که نماینده طبقات مختلف مردم بوده و با رأی آنها بر پا شده بود، برابر قدرت‌های سنتی شهر، حاکم، اشراف و ملاکین، ضربه سختی را متحمل شد تا دیگر خود را با آنها در نیندازد! بلدیۀ خواستار تامین نان طبقات پایین جامعه و مانع سودهای کلانی بود که در زمان قحطی نصیب اشراف می‌شد، اما اشراف پیاده نظام خود را داشتند؛ پیاده نظامی جاهل و مطیع که گوش به فرمان اربابان خود، اساس بلدیۀ را برچیدند و خون معاون آن را بر زمین ریختند؛ و لابد مزد دست خود را گرفته و آسوده به خانه برگشتند.^{۱۲}

این بود پایان تلخ داستان چهارساله نخست بلدیۀ اصفهان. اما اگر جنبه دیگری از فعالیت بلدیۀ اصفهان نیز بازگو نشود، پژوهش حاضر کامل نخواهد شد، امری که با موضوع مدیریت شهری ارتباط مستقیم دارد. پیشتر باید گفته شود مردم ایران با اداره‌ای به نام پلیس یا نظمیه از زمان ناصرالدین شاه آشنا بودند،^{۱۳} اما این تشکیلات فقط در تهران مستقر بود و سایر شهرها با همان تشکیلات سابق اداره می‌شدند.

۶. اداره نظمیه (پلیس) اصفهان

در قانون بلدیۀ به این که اداره‌ای جهت انتظام شهر باید توسط بلدیۀ برپا گردد، اشاره‌ای نشده بود. شاید به دو دلیل تأسیس و مدیریت «اداره نظمیه» یا «پلیس» به بلدیۀ‌ها سپرده شد: اول آن که بلدیۀ‌ها مانند پلیس زیر نظر وزارت داخله کار می‌کردند و دوم آن که بلدیۀ چون مدیر شهر محسوب می‌شد، بی‌جا نبود اگر امور نظم شهر را نیز به آن بسپارند. به هر حال اداره، در ابتدای کار، نظمیه اصفهان زیر نظر اداره بلدیۀ برپا گردید. اینگونه بود که تا اواخر سال ۱۳۲۷ق و در پی زمزمه جدایی نظمیه از بلدیۀ، نظمیه دیگر واحد مستقلی شد

که مستقیماً زیر نظر وزارت داخله کار می‌کرد. در ذیقعدۀ ۱۳۲۷ق رئیس نظمیۀ جدید اصفهان به انجمن ولایتی رفت و اعلام کرد: «یکصد تومان حواله سر بلدیۀ است به موجب تلگراف برای آوردن دفتر که تفکیک امور نظمیۀ از بلدیۀ بشود» (انجمن اصفهان، سال سوم، ش ۲۸، ۲۰ ذیقعدۀ ۱۳۲۷ق) این که پس از چه مدتی این تفکیک صورت گرفت بر نگارنده معلوم نشد، اما به هر حال تأسیس و دو سال مدیریت ادارۀ نظمیۀ اصفهان با بلدیۀ بود و باید در کارنامه بلدیۀ اصفهان بدان اشاره شود.

۶.۱ سنت جدید تنظیم شهر

دانسته است که تا پیش از آن تاریخ، نظم شهرها با داروغه بود. او کدخدایان محلات را زیر نظر داشت. کدخدایان نیز برای کار خود عناصر و اجزایی مانند فراش، عَسَس و گُزْمه را استخدام می‌کردند. پس از برپایی مشروطیت تا مدتی امور بر همین نَهج می‌چرخید اما تغییر نگرش مردم و برداشته شدن چوب استبداد، این چرخه را با مشکل مواجه کرد. مردم دیگر پول زور نمی‌دادند! همین مهم موجب شد که مداخل داروغه و کدخدایان کاهش یابد. در موردی داروغه اصفهان با صراحت به انجمن ولایتی اطلاع داد: «من مواجب ندارم و مواظب شهر نیستم». مدتی بعد در انجمن ولایتی مطرح شد: «داروغه و کدخدایان محلات حفظ امنیت شهر را استعفا داده و به مردم اعلام می‌دهند که خودتان درصدد حفظ امنیت باشید.» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۴۹، ۲ ذیقعدۀ ۱۳۲۵ق)، روزنامۀ جهاد/کبر در تعلیل مسئله به درستی نوشت «گویا جهت استعفا این است که در زمان استبداد کدخدایان و داروغه دخل‌های کلی از راه‌های غیر قانونی بر می‌داشتند و اکنون به‌واسطه صیت مساوات و آوازه قانون، مردم زیر بار تحملات بی‌اندازۀ آنها نمی‌روند» (جهاد/کبر، سال اول، ش ۲۵، ۲۳ رجب ۱۳۲۵ق)

انجمن ولایتی تصمیم گرفت حل مشکل را از حاکم بخواهد، حاکمی که از هرگونه تعهد مالی شانه خالی می‌کرد. به همین خاطر درخواست‌های مکرر مالی داروغه و کدخدایان، تنشی میان بلدیۀ و حاکم شهر ایجاد کرد، زیرا که حاکم سعی می‌کرد نظم شهر را بر عهده بلدیۀ گذارد، بدون آن که دیناری به بلدیۀ دهد. در اواخر سال ۱۳۲۵ق در انجمن ولایتی خبری پیچید مبنی بر اینکه «از طرف ایالت گفته شد که داروغه و کدخدایان محلات می‌گویند با این مواجب نمی‌توانیم خدمت نماییم و نظم شهر را بدهیم. خوب است آنها را به اداره بلدیۀ سپرده که قرار کار آنها را بگذارد.» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۱، ۱ ذیقعدۀ ۱۳۲۵ق) فی‌المجلس دو نفر از انجمن بلدیۀ احضار شدند و رئیس انجمن

ولایتی از آنها پرسید «ایالت کبری نظم بلد را از شما می‌خواهد. شما متعهد می‌شوید که نظم بدهید؟ اظهار داشتند که بنا بر قانون بلدیة نظم شهر با بلدیة است اما اداره، پلیس می‌خواهد. ... برآورد کردند به جهت اداره نظمیه چهارده هزار تومان مخارج لازم دارد. اگر داده شود صحیح. وگرنه اسباب بدنامی بلدیة خواهد شد». (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۱، ۱ ذیقعدہ ۱۳۲۵ق) سرانجام، انجمن ولایتی با همراهی حاکم شهر نظم شهر را به بلدیة سپرد، با این ترتیب که از قشون اصفهان تعدادی سرباز برای نظم شهر اختصاص داده و نیز مقرر شد طرف حساب کدخدایان بلدیة باشد.

این قرار بدون هیچ پشتوانه یا ضمانت مالی نهاده شد و معلوم است که بلدیة بدون درآمد کافی از عهده بر نمی‌آمد. چند هفته بعد در انجمن ولایتی گزارش داده شد که حاکم شهر از دزدی‌های زیادی که در شهر اتفاق می‌افتد، شاکی شده است و بلدیة را مقصر و متکفل می‌داند. انجمن ولایتی از انجمن بلدیة توضیح خواست: «از جانب انجمن بلدیة گفته شد: که این نظم موقتی بوده و داروغه و کدخدایان چهار هزار تومان موجب می‌گرفته‌اند و می‌خواهند» (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۴، ۶ ذیحجه ۱۳۲۵ق) چنان که پیش‌تر اشاره شد، مشکل آن بود که حاکم شهر نمی‌خواست بلدیة را در درآمدهای مالیاتی شهر شریک کند و حتی در انجمن به طرف‌داری از بلدیة گفته شد «هرکس مالیات می‌گیرد باید نظم بدهد». (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۴، ۶ ذیحجه ۱۳۲۵ق)

با این وضعیت متزلزل و مبهم نظمیه اصفهان به ریاست وثیق‌الملک آغاز به کار کرد. او شخصی به نام میرزا احمدخان را مسئول نظمیه کرد. در ماه بعد اداره نظمیه اصفهان رسماً آغاز به کار کرد. رئیس نظمیه در انجمن ولایتی گزارش داد: «به جهت اداره نظمیه شصت نفر پلیس گرفته شده، و چند نفر از آنها با لباس‌های مخصوصه خود، که تهیه برای همه نموده بودند، از منسوجات وطنیه اصفهان ارائه نمودند». (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۱۴، ۱۸ صفر ۱۳۲۶ق)

در سال ۱۳۲۷ق شخصی به نام سیف‌الممالک از طرف وزارت داخله به ریاست نظمیه اصفهان منصوب شد. (زاینده‌رود، سال اول، ش ۲۷، ۶ رمضان ۱۳۲۷ق) آیا این آغاز جدایی نظمیه از بلدیة بود؟ در این زمان بنا به درخواست انجمن ولایتی نخستین صورت بودجه اداره نظمیه اصفهان در روزنامه درج شد. به موجب آن پرسنل نظمیه ۱۰۳ پلیس و ۱۹ کدخدا بودند. از کمیسرها و منشی‌های آن نیز ذکری رفته است. (انجمن مقدس ملی اصفهان، سال سوم، ش ۵۰، ۸ صفر ۱۳۲۸ق)

۶.۲ نقد نظمی اصفهان

شهرهای ایران پس از مشروطه، متأثر از فضای متزلزل مدیریتی، دیگر امنیت سابق را نداشتند. دزدی، اغتشاش و شرارت از اخبار همیشگی روزنامه‌ها بود. روزنامه *زاینده‌رود* در مقایسه دو دوره پیش و پس از مشروطه نوشت که در زمان استبداد تا حدی رعایت نظم و رفاه اهالی می‌شد ولی امروز چنین نیست. (*زاینده‌رود*، سال دوم، ش ۳۰، ۱۰ رمضان ۱۳۲۸ق)

به هر حال عبور از نظام سنتی به نظام جدید نظم شهر، مخالفینی هم داشت. بنا بر نظر یکی از خوانندگان روزنامه *زاینده‌رود*، از لحاظ کارآمدی داروغه‌ها قادر به جلوگیری از سرقت یا کشف آن، و نظمی ناتوان بود. (*زاینده‌رود*، سال دوم، ش ۳۳، ۲ شوال ۱۳۲۸ق) به هر ترتیب بلدیة اصفهان توانست اداره نظمی این شهر را پایه‌گذاری کند و سنگ بناهای اول بگذار تا این که این اداره به صورت مستقل و زیر نظر وزارت داخله به کار خود ادامه داد.

۷. اطلاع‌رسانی در بلدیة

بلدیة اداره‌ای بود که هزینه فعالیت‌های خود را از کیسه خدمت‌گیرندگان گرفت. باید به دنبال رسانه‌ای بود که بتواند گزارش اقدامات خود را به عوارض دهندگان بدهد تا به آنها بگوید عوارض پرداختی آنها هدر نمی‌رود. *انجمن بلدیة اصفهان* نیز بسیار در امر اطلاع‌رسانی کوشا بود؛ به طوری که از همان آغاز کار، وقتی آقا میرزا نورالدین مجلسی، که روزنامه *فرج بعد از شدت* را چاپ می‌کرد، به عضویت آن انجمن آمد، اعضای انجمن و رئیس از او خواستند روزنامه‌اش را ارگان بلدیة کند. (*انجمن بلدیة فرج بعد از شدت*، سال اول، ش ۴، رمضان ۱۳۲۵ق) این روزنامه از شماره ششم تحت عنوان *انجمن بلدیة اصفهان* منتشر شد. روزنامه مذکور عمر زیادی نکرد و به سال ۱۳۲۶ق هم نرسید. آخرین شماره موجود ۱۴ است. پس از آن شخص دیگری به نام *میرزا عباس خان چهارمحالی (شیدا)* به تاریخ ۴ ذیحجه ۱۳۲۵ق روزنامه *بلدیة اصفهان* را منتشر کرد. در پنج شماره‌ای که از این روزنامه که مؤلف کتاب *تاریخ جراید و مجلات ایران* از آنها یاد می‌کند، حاوی گزارش مذاکرات انجمن بلدیة اصفهان است. (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ج ۲/ ۲۰) در سال‌های بعد اخبار اداره بلدیة و مشروح مذاکرات انجمن بلدی در روزنامه‌های *انجمن اصفهان* و *زاینده‌رود* مرتباً به چاپ رسید. حتی روزنامه در ضمیمه *زاینده‌رود* و با لوحی جداگانه تحت عنوان *انجمن بلدیة*، اخبار بلدیة را درج شد. از میان اطلاعات ارزشمندی که در پس این فرایند در روزنامه‌های آن دوره باقی مانده است، می‌توان تصویر روشنی از تحولات آغازین بلدیة اصفهان به قلم آورد.^{۱۴}

نتیجه گیری

نظام اداری جدید پس از مشروطه نوپا بود و از معایب و کاستی‌های زیادی رنج می‌برد و استقرار این نظام گسترده، به آرامش و اطاعت جامعه بستگی تام و تمام داشت. در سال‌های نخست مشروطه کشمکش میان دربار، دولت، مجلسیان و نهادهای مشروطه، کار را به هرج و مرج کشانید و ماجرایی استبداد صغیر و جنگ داخلی شرایط لازم برای برقراری نظام نوین مدیریتی را از بین برد. عوض شدن پی‌درپی دولت‌ها (هر شش ماه یکبار) بر آشفتگی‌ها افزود؛ چنان‌که از زمان جنگ جهانی اول تا اوایل عصر رضاشاه (سال ۱۳۰۹ش) انجمن‌های بلدی تعطیل و انجمن‌های ایالتی و ولایتی خاموش شد. شهر ماند و وزارت داخله که باید حکام آن و نیز رؤسای بلدیة/ شهرداران را انتصاب و ارسال نماید.

جامعه مخاطب یک نظام اداری باید به درجه‌ای از رشد و آگاهی رسیده باشد که در تعامل سازنده میان آنان پیشرفت امور حاصل می‌شود. در جامعه صدر مشروطه که بیش از نود درصد جامعه در بی‌سوادی مطلق به سر می‌بردند، نظام اداری سالم و قدرتمند نمی‌توانست از عهده وظایفش برآید. خصوصاً در مورد تشکیلاتی مانند بلدیة که در ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با جامعه مخاطبش است و بودجه آن باید از کیسه مردم شهر تأمین شود - اگر مردم اعتماد کاملی به بلدیة نداشته باشند یا در پرداخت عوارض و مالیات بلدی خود کاهلی کنند، امور بلدیة با اختلال مواجه می‌شد - چنان‌که شد. آن چه در اصفهان اتفاق افتاد، از این نظر غیرمنتظره بود که طبقات بالای شهری مثل تجار و اعیان، که درک بالاتری از نظام مشروطه داشتند، به جای آن که با اهدای اندکی از سرمایه خود، این نهاد مشروطه را یاری دهند، از پرداخت عوارض خودداری کردند. از سوی دیگر مردم عادی و طبقات اصناف شهر، به خاطر تلاشی که این اداره در تعدیل نرخ اجناس به عمل آورد، در ابتدا از جدی‌ترین پشتیبانان آن بودند، اما در مشروطه کبیر که دست و پای بلدیة به تدریج بسته شد و کارکرد مؤثری از آن مشاهده نشد، نسبت به آن نهاد بی‌تفاوت شدند و حتی آن قدر پایگاه مردمی بلدیة تضعیف شد که بدون پشتیبانی جدی مردم، مورد حمله عده‌ای قرار گرفته، ضربه‌ای مهلک را متحمل شد.

در سطح کلان و کشوری شاید بتوان گفت یک علت ناکامی نظام مدیریت نوین، هم زمانی تحولات اجتماعی یاد شده با تحولات سیاسی کلان مملکتی مثل تغییر نظام سیاسی، پادشاه کشور، عوض شدن پی‌درپی دولت‌ها، جنگ داخلی منجر به فتح تهران و ... بود. شاید اگر نظام سیاسی ثباتی داشت، اجرای این اصلاحات اجتماعی با موانع کمتری مواجه

می‌شد. هر چه بود بلدیۀ اصفهان نتوانست انتظارات جامعۀ مخاطبش را به درستی برآورده کند. به همین دلیل نیز مورد بی‌اعتنایی و حتی حملۀ این جامعه قرار گرفت.

نظام نوپای مدیریت کشوری و شهری که در عصر مشروطه با تأکید فراوان بر امر قانون و با پشتوانۀ مردمی زیاد بنیاد نهاده شد، در سال ۱۳۰۹ش قانون بلدیۀها بازنگری شد و انجمن‌های بلدی با نظارت شدید وزارت کشور دوباره آغاز به کار کردند. تا حدود زیادی استقلال این انجمن‌ها گرفته شد. بدین گونه که حق انتخاب شهردار از آنها ستانده شد و نیز مصوبات آنها باید به تصویب وزارت داخله می‌رسید. به هر روی مردم ایران دیگر با اداره‌ای به نام «بلدیۀ» و حوزه کار آن آشنا شده بودند.

پی‌نوشت

۱. همه این قوانین در مجلس اول و در سال ۱۳۲۵ق به تصویب رسیدند. برای بررسی چگونگی شکل‌گیری این نهادهای شورایی در ولایات، نک: علی مرادی مراغه‌ای (۱۳۸۴).
۲. در اروپای اواخر قرون وسطی، کم‌کم اداره شهرها از حوزه اختیارات حکومت‌ها خارج شد و به مردم آن‌جا محول گردید. انجمن‌های شهر و نظام انتخاب شهردار شکل گرفت و بدین ترتیب همه دریافتند اگر شهرها به صورت مستقل اداره شوند. کارها بهتر پیش می‌رود. برای مطالعه این سیر در اروپا و نیز ایران نک: منوچهر قهاری (۱۳۳۴).
۳. درباره این خواسته‌های جمعی نک: عبدالمهدی رجایی (۱۳۸۵).
۴. برای مطالعه قانون بلدیۀها، نک: مذاکرات مجلس اول (۱۳۸۴)، «پیوست‌ها».
۵. اسدالله‌خان وثیق‌الملک، فرزند میرزا حبیب‌الله‌خان مشیرالملک شیرازی بود. میرزا حبیب‌الله، وزیر مقتدر اصفهان در دوره ظل‌السلطان بود که سرانجام در اثر اختلاف با او، در سال ۱۳۰۹ق به دستور ظل‌السلطان مسموم و مقتول شد. اسدالله‌خان وثیق‌الملک از محله گلپهار به عنوان عضو انجمن بلدیۀ انتخاب و سرانجام از سوی اعضای انجمن بلدیۀ به عنوان رئیس این انجمن برگزیده شد. او تلاش زیادی کرد تا جایگاه و شأن اداره بلدیۀ را تثبیت کند و ارتقا دهد. اسدالله‌خان چند بار به تهران سفر کرد تا اولیای امور را در بارۀ تأمین بودجۀ بلدیۀ اصفهان مطلع کند. در مشروطۀ دوم وثیق‌الملک به عضویت انجمن ولایتی درآمد.
۶. گفتنی است اداره بلدیۀ تهران هم پس از تأسیس با زحمت زیاد توانست منابعی برای درآمد خود بیابد. نامۀ بلدیۀ تهران به مجلس «چه اقدامات و کوشش‌ها کرده و چه زحمت‌ها برده تا این شش محل جمع بلدیۀ شده و به تصرف آورده‌اند» این شش محل عبارت بودند از: مالیات قهوه‌خانه‌ها، مالیات درشک‌ها، حق‌الارض میدان محمدیه، حق‌الارض نقط و ... (روزنامۀ مجلس، سال دوم، ش ۷۱، ۹ صفر ۱۳۲۶ق)

۷. خوب است بدانیم در بازنگری قانون بلدیة در سال ۱۳۰۹ش آمده است: «وصول مالیات مستغلات هر محل به عهده بلدیة آن محل خواهد بود.» بدین ترتیب دعوی همیشگی بلدیة‌ها و مالیه‌ها به پایان رسید.
۸. اداره جهانیان و جمشیدیان دو صرافی بزرگ بودند که در بیشتر شهرهای ایران شعبه داشتند. آنها کار بانک را نیز انجام می‌دادند. راجع به این دو صرافی، نک: سهیلا ترابی (۱۳۸۰).
۹. میدان چهارحوض: چسبیده به میدان نقش جهان و در محل فعلی بانک ملی در خیابان سپه قرار داشت. کاربری این میدان بیشتر نظامی بود.
۱۰. منظور خیابان آیت‌الله طالقانی فعلی است که به چهارسوق شیرازی‌ها منتهی می‌شد. این خیابان نام‌های دیگری چون «خشک، خوش و شاه» نیز گرفته است.
۱۱. در این باره، رک: عبدالمهدی رجایی (۱۳۸۳).
۱۲. برای شرح و تحلیل کامل شورش از زبان روزنامه‌های آن دوره، نک عبدالمهدی رجایی (۱۳۸۶).
۱۳. اعتمادالسلطنه می‌گوید: «چون موکب مسعود صاحبقرانی از سفر فرنگ ثانی مراجعت گزید، کنت دمونت فرت را که مستخدم گردیده بود، بفرمود تا این اداره را در نهایت اهتمام مشتمل بر کثرت و ازدحام تشکیل داد با اسلحه خاص و ملبوس مخصوص. اینک شغل شحنگی شهر و پاس بیوتات و اسواق دارالخلافه با این گروه انبوه می‌باشد.» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱/۱۶۴) در این رابطه، نک مرتضی سیف (۱۳۶۲).
۱۴. در این باره، نک روزنامه‌های بلدیة (۱۳۸۷).

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۷۴). *چهل سال تاریخ ایران؛ المآثر والآثار*، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
- تحویلدار، میرزا حسین خان (۱۳۸۸). *جغرافیای اصفهان*، به کوشش الهه تیرا، تهران: اختران.
- ترابی، سهیلا (زمستان ۱۳۸۰). «راهکارهای تجار در رویارویی با سرمایه‌های بیگانه پیش از انقلاب مشروطیت» فرهنگ اصفهان، ش ۲۲.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۳). *تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظل السلطان*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۵). *تاریخ مشروطیت اصفهان*، اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۶). *اصفهان از انقلاب مشروطه تا جنگ جهانی اول*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- روزنامه‌های بلدیة (۱۳۸۷ق). به اهتمام دکتر محمدعلی چلونگر، اصفهان: مرکز اصفهان‌شناسی.
- روزنامه انجمن بلدیة اصفهان (۱۳۲۵ق). سال اول، محل نشر: اصفهان.
- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان (۱۳۲۵ - ۱۳۳۲ق). سال اول تا پنجم، محل نشر: اصفهان.

- روزنامه پروانه (۱۳۲۷ق). سال اول، محل نشر: اصفهان.
- روزنامه جهاد اکبر (۱۳۲۷ - ۱۳۲۵ق). سال اول تا سوم، محل نشر: اصفهان.
- روزنامه زاینده رود (۱۳۲۶ - ۱۳۳۲ق). سال اول تا پنجم، محل نشر: اصفهان.
- روزنامه کشکول (۱۳۲۷ق). سال دوم، محل نشر: اصفهان.
- روزنامه مجلس (۱۳۲۴ - ۱۳۳۲ق). سال اول تا پنجم، محل نشر: تهران.
- سیف، مرتضی (۱۳۶۲). نظم و نظمیۀ در دوره قاجار، تهران: یساولی و فرهنگ سرا.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳). تاریخ جراید و مجلات فارسی، ج ۱، اصفهان: کمال.
- قهاری، منوچهر (۱۳۶۴). اداره امور شهرها، تهران: بی جا.
- مذاکرات مجلس اول (۱۳۸۴). به کوشش غلامحسین میرزاصالح، تهران: مازیار.
- مرادی مراغه ای، علی (۱۳۸۴). عبور از استبداد مرکزی، تهران: اوحدی.
- ملک زاده، مهدی (۱۳۷۳). تاریخ مشروطیت ایران، چ ۴، تهران: علمی.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۸۴). مذاکرات مجلس اول، تهران: مازیار.